

کند. مؤلف بر این اعتقاد است که مفاهیم و شخصیت‌ها، فقط با فرمی این چنین، شکل فعلی خود را می‌یابند و اگر روایت از الگوهای رایج تبعیت می‌کرد، دیگر به مفاهیم فصلی منتهی نمی‌شد. و این الگوی زمانی را از ضرورت‌های محتوایی فیلم می‌داند. در ضمن بنابر علائق فلسفی خویش نگاه دوباره‌ی دارد به ماهیت سینما و دلالت‌های تصویری آن، همچنین بحث قدیمی واقعیت و خیال را در سینما، مجدداً پیش روی خواننده‌ای حیرت‌زده قرار می‌دهد که نمی‌داند پشیمان باشد که ناخواسته وارد معرکه بحث‌های سنگین فلسفی شده است یا آن که دلش خواسته فیلمنامه داستان عامه‌پسند را بخواند. البته باتوجه به مباحث اصلی این کتاب، تا حدی حسرت خواننده‌ی مغموم، خوش خیالی به نظر می‌رسد. در مورد محتوای کتاب نکاتی قابل تأمل است، اول آن که نویسنده با توجه به صیغه‌ی مطالعاتی‌اش در زمینه‌های فلسفی، به نثری بر تکلف روی آورده که موجب اختلال در انتقال مفاهیم مورد نظرش به خواننده می‌شود. از سوی دیگر با تکرار چند باره‌ی بعضی از مسائل به نوعی اطاله‌ی کلام می‌دهد.

دوم؛ تسلط اندک نویسنده بر سیر تاریخ سینماست. این مطلب که از خلال نوشته‌های اومشخص است، او را از بیان دیدگاه‌هایش از طریق ارجاع به نمونه‌های قابل توجه در این زمینه، ناتوان ساخته است. مشکلی که در صورت رفع آن، انتقال مفاهیم را به خواننده تسهیل می‌کرد و مباحث را متمرکزتر و کاربردی‌تر می‌ساخت؛ گذشته از آن، نویسنده در ابتدای کتاب، متذکر می‌شود که رجوع به داستان عامه‌پسند به عنوان نمونه، از همان ابتدا به قصد خروج از آن است. اما تا پایان کتاب او از این عبور ناتوان می‌ماند و فقط به شرح و بسط شیفته‌وار فیلم می‌پردازد و بعضاً مباحثی کهنه را از منظری نه‌چندان بکر و تازه مورد بررسی قرار می‌دهد.

در مجموع انتشار کتاب‌هایی از این دست را، باتوجه به اهمیت موضوع آن و خلأ فراوان کتاب‌های تئوریک سینما در کشور ما، می‌توان به فال نیک گرفت و امید به ارتقای کیفی آن داشت. اما به نظر می‌رسد که از تذکر نکته‌ای نمی‌توان غفلت ورزید و آن اینکه روی جلد کتاب، در بالای عنوان، اسم **کوئنتین تارانتینو** به شکلی درج شده است که گویی نویسنده‌ی کتاب اوست و **سیاوش جمادی**، صرفاً مترجم کتاب است، اما با بررسی کتاب در می‌یابیم که فقط فیلمنامه‌ی داستان عامه‌پسند نوشته‌ی **کوئنتین تارانتینو** است، آن هم صرفاً به عنوان ضمیمه‌ای بر مقاله‌ی مفصل **جمادی**، در انتهای کتاب آمده است. ظاهراً طراحی جلد کتاب به شکل مذکور به استفاده از پیش زمینه‌ی فکری مخاطب، برای فروش بیش‌تر مربوط می‌شده و سوء تفاهمی بیش نبوده است وگرنه البته که نویسنده کتاب تعمداً در این خصوص نداشتی است!



- فلسفه‌های هنر
- پیتر کیوی
- ترجمه محمدعلی حمید رفیعی
- دفتر پژوهش‌های فرهنگی

اثر هنری چگونه باید باشد یا هنر چیست، موضوع مهم در زیبایی‌شناسی یا فلسفه هنر است. مسئله‌ای که در قرن هجدهم توسط فیلسوفان و نظریه‌پردازان نقد در مقابل فلسفه قرار گرفته بود، که خود نیز نتیجه‌ی تغییرات مهم در نگاه ما به چیزی است که امروزه هنرهای زیبا نام گرفته است. در عصر روشنگری رخ داد. چگونگی برداشت و تجربه‌ی ما از هنرهای زیبا، در قرن هجدهم از جهات مهمی دچار تغییر شد که برخی از آنها فلسفی و یا به عبارتی نظری بودند و بعضی نیز ماهیتی نهادی داشتند.

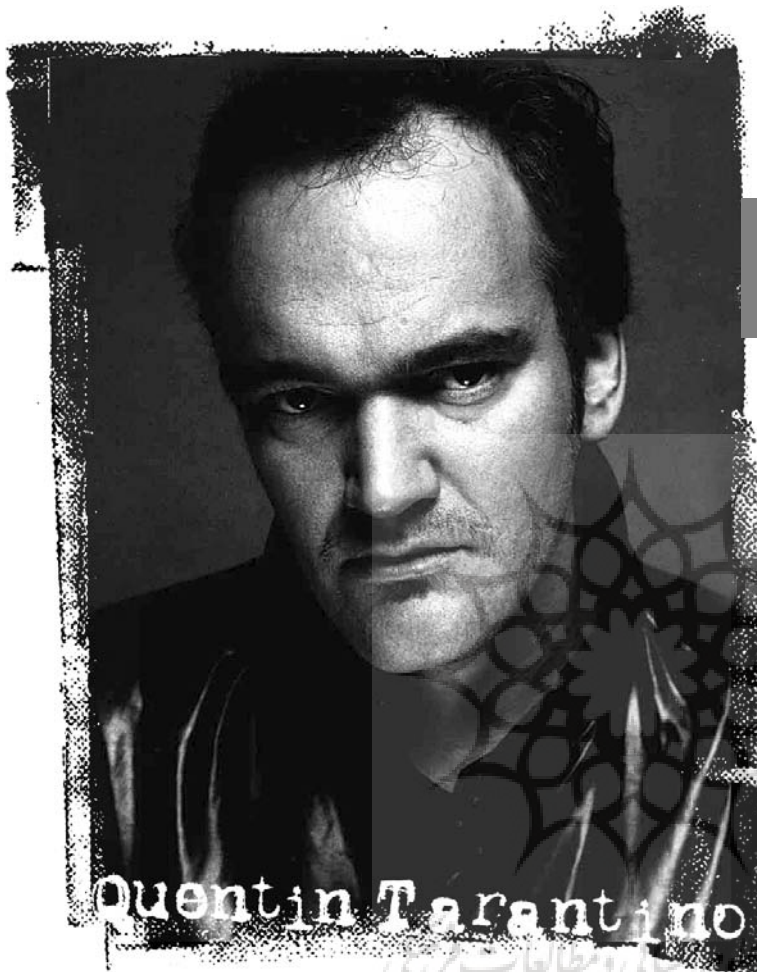
پیتر کیوی در کتاب خود سعی دارد به جست‌وجوی رد پای تعریف هنر در تاریخ بپردازد و نشان دهد که همه تلاش‌ها برای ارائه‌ی تعریفی جامع از هنر با برخورد به سد مستحکم موسیقی ناب به بن‌بست رسیده است. زیرا موسیقی ناب هیچ کدام از ویژگی مشترک محتوایی یا بازنمایانه‌ی هنرهای دیگر را بر نمی‌تابد. بنابراین راهبرد دیگری راپیشنهاد می‌کند: بگذارید به جای جست‌وجوی مصرانه برای همانندی در هنرها درباره‌ی تفاوت‌کاوش کنیم.

نویسنده در فصول اول و دوم دیدگاهش را در مورد تاریخ نظریه زیبایی‌شناسی از هاجیسون تا دانتوباز می‌گوید. در فصول سوم تا هفتم ادبیات و موسیقی بررسی شده است و در این پنج فصل تفاوت‌ها یا فلسفه‌های هنر در تضاد با فلسفه هنر به بحث گذاشته می‌شود. پیتر کیوی نه اصرار دارد که از منظر فلسفی با غیر، مدعی گردد که تلاش سنتی برای تعریف اثر هنری ناممکن است و یا به عنوان یک عمل فلسفی کارایی خود را از دست داده و نه توصیه می‌کند که به هر دلیل باید دست از تلاش برداشت. او تنها پیشنهاد می‌کند که دست کم برخی از ما به عنوان فیلسوف از تلاش برای یافتن همسانی در هنرها دست برداریم و به تفاوت‌های موجود در آنها بپردازیم؛ یعنی اینکه در کنار فلسفه‌ی هنر به فلسفه‌های هنر توجه کنیم.

کتاب حاضر با رویکرد تاریخی و تحلیلی‌اش برای اهل فلسفه جذابیت خاصی دارد و برای علاقه‌مندان به بررسی‌های ادبی و موسیقایی نیز لذت‌بخش است، به ویژه از آن رو که سبک نگارش و آسان فهم نویسنده دانش فنی خاصی را در باره فلسفه و موسیقی نمی‌طلبد. پیتر کیوی که استاد فلسفه و یکی از صاحب‌نظران در حوزه فلسفه هنر می‌باشد تألیفات ارزشمندی از خود بر جای گذاشته است که از جمله می‌توان به کتاب **Repetition The Fine Art of** اشاره کرد.

صابر ستوده

مروری بر یک سوءتفاهم



- سینما و زمان
- همراه با فیلمنامه «داستان عامه پسند»
- سیاوش جمادی
- نشر شادگان



صفحات آغازین مطلب خود، تأکید کرده است به عنوان نقطه‌ی آغاز بحث سینما و زمان مناسب است. مؤلف همچنین متن ترجمه شده‌ی فیلمنامه را با توجه به ارجاعات متعددی که در متن به آن داده شده به عنوان ضمیمه‌ی کتاب آورده است.

نویسنده در ادامه پس از بیان اهداف و ضرورت‌های نگارش چنین کتابی با رویکردی فلسفی که در سطر سطر آن به چشم می‌خورد، به بررسی مفهوم زمان، تلقی‌های مختلف نسبت به آن و سپس بررسی ماهیت زمان در سینما می‌پردازد و در این خصوص به طور مفصل به تحلیل اجزای فیلمنامه اقدام می‌کند. و می‌کوشد مباحث مورد نظر خود را از خلال اجزاء و ابداعات فرعی این فیلم، بازکاوی کند. او حتی به مقولاتی چون شخصیت‌پردازی در این فیلم با توجه به فرم غیرمتعارف آن، اشاره کرده و به عنوان فرضی محتمل، به تطبیق فیلم در فرم فعلی با زمانی که داستان به شکل خطی و معمول روایت می‌شد (به عنوان نسخه‌ای فرضی) می‌پردازد تا دیدگاه‌های فلسفی خود را به شکلی تحمیلی از آن استخراج

بحث اصلی کتاب سینما و زمان تألیف سیاوش جمادی به تجربه‌ای در سینمای پست‌مدرن مربوط می‌شود که گرچه نمونه‌ای منحصر به فرد در استفاده از زمان برای نمایش ویژگی شخصیت‌هایش نبود اما بی‌گمان پرسرو صداترین در این زمینه محسوب می‌شد. فیلم داستان عامه‌پسند (pulp Fiction, ۱۹۹۴) ساخته‌ی **کوانتین تارانتینو** از طریق روایت متفاوت و جذابش توانست علاوه بر محبوبیت میان تماشاگران عامه‌پسندش، در میان منتقدان هنری سینما نیز جایگاهی مناسب برای خود بیابد و جوایزی همچون نخل طلای جشنواره کن را نصیب خود کند. **سیاوش جمادی**، آن چنان که خود بیان کرده، قصد دارد تا از طریق بررسی این فیلم به عنوان نمونه‌ای مناسب در این خصوص به کاوش در زمینه‌ی جایگاه زمان در هنر سینما بپردازد. البته نمونه‌ی داستان عامه‌پسند با توجه به روایت غیر خطی منحصر به فردی که دارد و در آن فلاش بک و فلاش نور وارد به شکل متعارف و رایج آن در سینما، دیده نمی‌شود؛ برای جایجایی‌های زمانی خود، همانند همشهری کین از روای‌های مختلف مدد نمی‌گیرد. همان‌طور که **جمادی** در